

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

فرستنده: مجله هفته

۰۱ اگست ۲۰۲۰

## امریکا آمار واقعی کشته‌های اعتراضات مردمی را چگونه کتمان می‌کند؟

سکوت رسانه‌های امریکا درباره آمار واقعی کشته‌شدگان و زخمی‌ها و حتی بازداشتی‌های اعتراضات امریکا دلایل مختلفی دارد که هم به رویکرد حاکمیت و هم وابستگی رسانه‌های به ظاهر خصوصی مرتبط است. به گزارش رادیو بین المللی چین به نقل از خبرگزاری تسنیم، اعتراضات آغاز شده در امریکا از ۶۲ روز قبل در واکنش به قتل نژادپرستانه «جورج فلویید» هنوز ادامه دارند و سیاست‌های سرکوبگرانه «دونالد ترمپ» برای متوقف کردن آن تا به حال نتیجه‌ای در بر نداشته است. در تازه‌ترین تحول، خبرگزاری «دویچه‌وله» گزارش داده که تظاهرات‌ها هنوز هم در حال سرایت به شهرهای جدید امریکا است و ترمپ با اعزام نیروهای پولیس فدرال به شهر پورتلند قصد خاموش کردن شعله اعتراضات را دارد.

### پولیس بسیار خشن

از زمان آغاز تظاهرات‌ها در امریکا پولیس به خشونت‌های بی‌اندازه‌ای برای مقابله با معترضان متوسل شده و از روش‌های مختلف برای سرکوب اعتراضات استفاده کرده است. روز ۲۸ ماه می، گزارش شد که یک مأمور پولیس هیوستون، سوار بر اسب یک زن معترض را زیر گرفته، یک روز بعدتر در نیویورک، پولیس زن معترضی را هل داد و نقش بر زمین کرد، در همان روز باز هم در نیویورک، موتر پولیس به میان جمعیت هجوم برد، در میناپولیس شلیک گلوله پلاستیکی به سمت نویسنده‌ای به نام «لیندا تیرادو» به نابینا شدن یکی از چشم‌های او منجر شد، روز ۳۰ می، فلمی از یک افسر پولیس منتشر شد که زانویش را به همان شیوه‌ای که به قتل جورج فلویید منجر شد روی زانوی یک معترض گذاشته بود و فشار می‌داد، یک روز بعدتر شلیک یک پرتابه از سوی پولیس به سوی معترض ۵۳ ساله او را به کما برد و این فهرست تا همین روزهای آخر که گزارش‌هایی از حمله پولیس‌های مخفی به معترضان و ضرب و شتم آنها وجود یافته، ادامه دارد. بسیاری از تحلیلگران گفته‌اند توسل نیروهای پولیس به این تاکتیک‌های خشن و بی‌رحم که در اکثر موارد در تظاهرات‌های مسالمت‌آمیز و بدون تحریک قبلی انجام شده‌اند یکی از عوامل تشدید اعتراضات و دامن زدن به خشونت‌های بیشتر بوده است.

سازمان عفو بین‌الملل بر اساس بررسی‌هایی که در بازه زمانی ۲۶ مه تا ۵ جون ۲۰۲۰ انجام داده اقدام به تهیه یک نقشه «نقض گسترده و فاحش» حقوق بشر توسط پولیس امریکا در ایالت‌های مختلف این کشور کرده است.

### نبود گزارش نهادهای رسمی برای اجتناب از پاسخگویی درباره تلفات

با این حال، یک پدیده قابل بررسی در تظاهرات‌های امریکا این است که نهادهای رسمی امریکا تا کنون هیچ گزارش جامع و منسجمی از آمارهای مربوط به شمار افراد کشته و زخمی‌شده در این تظاهرات‌ها ارائه نکرده‌اند.

با آن که دولت امریکا و کشورهای غربی و رسانه‌های همپیمان با آنها هنگام بروز ناآرامی در کشورهای دیگر (که در برخی مواقع خود محرک آن ناآرامی‌ها هستند) به طرق مختلف دولت آن کشورها را برای ارائه آمار درباره شمار زخمی‌ها و کشته‌شدگان تحت فشار قرار می‌دهند و حتی اقدام به داده‌سازی و آمارسازی در این باره می‌کنند در تظاهرات‌هایی با این سطح از خشونت در امریکا، نهادهای رسمی نه آمار ارائه می‌دهند و نه با فشاری از سوی رسانه‌ها و کشورهای دیگر در این خصوص مواجه می‌شوند.

اما آیا ممکن است عدم اعلام آمار درباره شمار کشته‌شدگان، منعکس‌کننده نبود تلفات در این تظاهرات‌ها باشد و نه ناشی از بی‌میلی نهادهای رسمی و عدم فشار روی آنها برای پاسخگویی؟

با اندک تحقیقی در این خصوص می‌توان مشاهده کرد که این تظاهرات‌ها، همان‌طور که از سطح خشونت مورد توسل پولیس هم انتظار می‌رود کشته و زخمی داشته و تعداد تلفات هم احتمالاً بسیار زیاد بوده، اما از طرف دیگر نوعی تلاش سیستماتیک در کار بوده تا فشار بر نهادهای حاکمیتی برای پاسخگویی در این خصوص حذف (و نه ایجاد) شود.

### حقوق بشر، چماقی روی سر دیگران

دولت‌های غربی، آن‌طور که عملکردشان نشان می‌دهد، به مفهوم حقوق بشر به عنوان چماقی که باید از آن در برابر دولت‌های غیرمتحد استفاده کرد نگاه می‌کنند و مشخصاً تمایلی برای اعمال فشار بر امریکا جهت پاسخگویی در این مورد نخواهند داشت. اما رسانه‌ها در بازی با واقعیت‌های مربوط به کشته شدن معترضان نقشی بسیار کلیدی و محوری دارند.

برخی رسانه‌های امریکا به صورت پراکنده و گاه به گاه اخباری از کشته شدن تظاهرات‌کنندگان منتشر می‌کنند. مثلاً پایگاه فوربس در چهاردهمین روز اعتراضات به «مرگ» (نه کشته شدن!) ۱۹ نفر در جریان تظاهرات‌ها پرداخته و برخی منابع دیگر بر اساس اطلاعات پراکنده و جمع‌آوری‌شده از لایه لای اخبار رسانه‌ها شمار کشته‌شدگان را تا روز ۵ جولای (یعنی ۲۴ روز پیش) ۲۹ نفر اعلام کرده‌اند.

### دفن واقعیت‌های مهم زیر واقعیت‌های حاشیه‌نی

با اندکی مذاقه در گزارش‌های رسانه‌ها به خصوص رسانه‌های جریان اصلی امریکا متوجه می‌شویم که تقریباً در همه آنها مسأله کشته‌شده‌های اعتراضات، به شکلی ظریف و پیچیده سانسور سیستماتیک شده‌اند.

البته «سانسور» در اینجا به شکل متعارف و قابل تشخیص آن یعنی به صورت «حذف واقعیت‌های مهم» اعمال نمی‌شود، بلکه اطلاعات به شکلی ظریف و پیچیده به گونه‌ای چیدمان می‌شوند که «بخش‌های مهم واقعیت» زیر لایه‌هایی از اطلاعات بی‌اهمیت و کم‌اثر مدفون و گم شوند.

گزارش «فوربس» که تیتز «مرگ» ۱۹ نفر در چهاردهمین روز تظاهرات برای آن انتخاب شده مصداق و مشت نمونه خروار خوبی برای چنین سانسوری است. این گزارش، علاوه بر قتل معترضان به دست پولیس، محتوی مقدار زیادی اطلاعات بی‌ربط مانند مرگ فردی است که توسط سه سارق که قصد دزدیدن موتوری او را داشته‌اند، کشته شده! و یا بارها دیده شده که رسانه‌های امریکا هنگام گزارش درباره کشته‌شدگان اعتراضات به مرگ فردی اشاره می‌شود که از کوچه بغلی یکی از خیابان‌های محل اعتراض می‌گذشته که در سانحه تصادف رانندگی کشته شده است.

آیا گزارش موارد این چنینی تناسبی با رسالت رسانه برای عمل به عنوان یکی از ارکان دموکراسی و پاسخگو کردن نهادهای حاکمیتی در برابر مردم دارد؟ خیر، به عکس، چنین اطلاعاتی دقیقاً کارکرد معکوس دارند و با آنها می‌توان تیتز یک خبر را از «قتل معترضان در جریان اعتراضات» به «مرگ» چند نفر در حاشیه اعتراضات تقلیل داد و واقعیت‌های اصلی و نیازمند پاسخگویی حاکمیت را زیر خرمی از واقعیت‌های حاشیئی که حکومت از پاسخگویی به آنها معاف است دفن کرد.

### رسانه‌ها در امریکا چگونه کنترل می‌شوند؟

از این که رسانه‌های امریکا در صدد مدیریت برداشت‌های مخاطبان به نفع نهادهای حاکمیتی باشند این استنباط می‌شود که باید آنها به طریقی به این نهادها وابستگی داشته باشند، حال آن که اکثر این رسانه‌ها شرکت‌های خصوصی هستند. واقعیت این است که در اینجا هم با بحثی پیچیده مواجه هستیم، به این صورت که در اینجا هم اعمال کنترل روی رسانه‌ها به شکل سنتی نیست، بلکه کنترل رسانه‌ها به شکلی غیرمستقیم و از طریق گره زدن منافع شرکت‌های مادر این رسانه‌ها به منافع کلی نظام حاکمیتی آنها عمل می‌شود.

«ادوارد هرمان» و «نوام چامسکی» در تحقیقی نشان داده‌اند که رسانه‌های جریان اصلی امریکا با همه گوناگونی‌ها و تنوعی که دارند تحت مالکیت ۶ شرکت بزرگ هستند که منافعی با نظام کلی سرمایه‌داری امریکا گره‌خورده و درهم‌تنیدگی دارد: شرکت رسانه‌ای «ان‌بی‌سی یونیورسال»، کمپانی والت‌دیزنی، شرکت نیوز کرپریشن، شرکت تایم وارنر، شرکت ویاکام و شرکت سی‌بی‌اس.

این دو دانشمند در کتاب مهمی به نام «رضایت‌سازی: اقتصاد سیاسی رسانه‌های جمعی» با پیشنهاد مدلی به نام «مدل پروپاگاندا» نشان داده‌اند که این رسانه‌های شرکتی خلاف تصویری که سعی می‌کنند از خودشان به نمایش بگذارند نه ارکانی برای ترفیع دموکراسی هستند و نه ابزارهایی برای رساندن صدای مردم به گوش حاکمیت بلکه «نهادهای ایدئولوژیک مؤثر و قدرتمندی هستند که به دلیل اتکاء به نیروهای بازار، مفروضه‌های درونی‌شده و خودسانسوری، کارکردی در راستای حمایت از سیستم دارند و این کار را بدون تحمیل‌گری آشکار به مخاطب انجام می‌دهند».

بر این اساس، مشخص است هنگامی که تظاهراتی در امریکا اتفاق بیفتد که ماهیت کلی نظام این کشور را هدف بگیرد رسانه‌ها چه موضعی در برابر آن اتخاذ خواهند کرد. دو محقق به نام‌های «دانیل کیلگو» و «سامر هارلو» در یک مقاله پژوهشی که چون ۲۰۱۹ چاپ شده (مدتها قبل از اعتراضات اخیر) نحوه انعکاس تظاهرات‌های مربوط به مسائل مختلف را در ۱۶ رسانه مهم مورد بررسی قرار داده‌اند.

### قلب مفهوم اعتراضات به شورش

این تحقیق نشان داد که برخی از موضوعات از جمله تظاهرات‌های ضدنژادپرستی و یا هر تظاهرات دیگری که به نحوی به دنبال زیر سؤال بردن وضع موجود سیاسی و اجتماعی باشد با واکنش منفی رسانه‌های جریان اصلی مواجه شده و تلاش برای مشروعیت‌زدائی از آنها در دستور کار قرار می‌گیرد.

در این مقاله آمده است: «تحقیقات نشان می‌دهند سازمان‌های خبری جریان اصلی در ترسیم تصاویر دقیق و منصفانه از تظاهرات‌هایی که وضع موجود سیاسی و اجتماعی را زیر سؤال می‌برند ناتوان بوده‌اند. توجه رسانه‌ها به تظاهرات معمولاً منفی است و آنها معترضان را به عنوان گروهی منحرف و اعتراضات را به عنوان رویدادهایی خشن به تصویر می‌کشند.»

کیلگو، یکی از نویسندگان این مقاله پژوهشی در یادداشتی در اندیشکده «Conversation» تأیید کرده که همین الگو در تظاهرات‌های اخیر امریکا هم تکرار شده است. کیلگو در این یادداشت به نکته قابل توجه دیگری هم اشاره کرده و آن این‌که، رسانه‌ها در انعکاس این اعتراضات بیشتر از واژه‌هایی مانند «شورش» و «درگیری» به جای اعتراض استفاده کرده‌اند و بخش اعظم متن اخبار یا گزارش‌های خود را به شرح دادن رفتارهای هیجانی یا نمایشی معترضان مانند خشونت‌ها یا درگیری‌هایشان با پولیس اختصاص داده‌اند تا توضیح درباره گله‌ها و اعتراض تظاهرات‌کنندگان.